

بازنمایی موفقیت یا شکست قرارداد هسته‌ای ایران در رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی؛ تحلیل روایتی

فرحناز مصطفوی کهنگی*

مرضیه حاجی پور ساردویی**

فائزه تقی پور***

چکیده

این مقاله با استفاده از روش تحلیل روایتی به بررسی رقابت گفتمانی در مورد قرارداد هسته‌ای ایران در رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی می‌پردازد. در واقع،

* (نویسنده مسئول) استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران، (mostafavi.farahnaz@gmail.com)

** دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران، (hajipour.sm@gmail.com)

*** استادیار، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، (faezeh.taghipour@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۹۲-۱۵۹

هدف از این بررسی، شناسایی عناصر روایتی‌ای است که موجب موفقیت یا شکست این تصمیم سیاست خارجی در آمریکا شده‌اند و این‌گونه استدلال می‌شود که موفقیت و شکست یک سیاست در حوزه سیاست خارجی، نتیجه یک برساخت اجتماعی از روایت‌ها است. این پژوهش، روش نوآورانه‌ای را برای تحلیل روایتی به‌عنوان یک روش تحلیل گفتمان، در بررسی رقابت‌های گفتمانی در مورد این برساخت‌ها پیشنهاد می‌کند. بر مبنای این دیدگاه نشان داده می‌شود که روایت‌های موفقیت و شکست، از ساختارهای مشابه، و محتواهای متفاوتی پیروی می‌کنند و عناصر کلیدی‌ای مانند بستر، شخصیت‌پردازی مثبت/منفی فردی و جمعی تصمیم‌گیرندگان و طرح کلی موفقیت یا شکست و شناسایی فرد یا افراد مسئول برای سرزنش/تشویق را دربر می‌گیرد. این مقاله بر اهمیت شیوه بیان روایت‌ها، به‌عنوان دلیل سلطه یا حاشیه‌نشینی آن‌ها در گفتمان سیاسی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: قرارداد هسته‌ای ایران، تحلیل گفتمان روایی، گفتمان رسانه‌ای، آمریکا

مقدمه

آینده قرارداد هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) که میان پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل و ایران در مورد برنامه هسته‌ای ایران منعقد شده است، با انتخاب دونالد ترامپ، به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده، مورد تردید قرار گرفت. دونالد ترامپ در تبلیغات انتخاباتی خود چندین بار از این قرارداد انتقاد کرده بود و اکنون، پس از رسیدن به ریاست جمهوری آمریکا نیز به دشمنی خود با این قرارداد ادامه می‌دهد.

کنگره آمریکا، قانونی را تصویب کرده بود که رئیس جمهور آمریکا را ملزم می‌کرد، هر ۹۰ روز یکبار در مورد اجرای مفاد برجام از سوی ایران و هماهنگی آن با منافع آمریکا به کنگره گزارش دهد. رئیس جمهور جدید آمریکا، دو بار با شک و تردید و تحت فشار وزرای خود، برجام را تأیید کرد، اما در سومین نوبت، در اکتبر ۲۰۱۷، به بهانه عدم تناسب عملکرد ایران با حذف تحریم‌ها در نتیجه انعقاد این قرارداد، از تأیید برجام خودداری کرد و در ۹ مه ۲۰۱۸، از برجام خارج شد.

در رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی، روایت‌های مختلفی از برجام بیان شده است. دونالد ترامپ از قرارداد هسته‌ای ایران به عنوان «یک قرارداد بد و خطرناک» (Guardian, May 8, 2018) نام می‌برد، در حالی که دولت اوباما آن را «یک قرارداد بسیار خوب» می‌داند که «قوی‌ترین قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که تاکنون منعقد شده است» (Obama, 2015a). بسیاری از طرفداران برجام نیز پذیرفته‌اند که این قرارداد، تغییری در سیاست خارجی ایران ایجاد نکرده است. در عین حال، بسیاری از مخالفان نیز بر این نظر هستند که در صورت لغو برجام، جایگزینی برای آن وجود ندارد. این در حالی است که هرچند این قرارداد نتوانسته است هیچ‌گونه محدودیتی برای برنامه‌های موشک بالستیک ایران ایجاد کند (البته برجام از ابتدا این

برنامه‌ها را دربر نمی‌گرفت)، اما به‌موجب برجام، محدودیت‌هایی بر غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران اعمال شده است.

رهبران کشورهای اروپایی حاضر در برجام، در واکنش به خروج آمریکا از این توافق، پیام مشترکی در حمایت از آن منتشر کردند. واکنش اتحادیه اروپا به این تصمیم می‌تواند برای ادامه برجام، حیاتی باشد. برخی در اتحادیه اروپا و ایران بر این نظر هستند که این قرارداد با حمایت سایر امضاکنندگان آن همچنان پابرجا خواهد ماند. برای اتحادیه اروپا رویارویی با آمریکا از منظر حقوقی، پیچیده و از دیدگاه سیاسی، دشوار است. عده‌ای احیای دستورالعمل ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا را به‌منظور محافظت از شرکت‌های این اتحادیه در برابر تأثیرات برون‌مرزی قانون تحریم‌های اروپا پیشنهاد داده‌اند که می‌تواند به ادامه تجارت اتحادیه اروپا با ایران حتی پس از اعمال دوباره تحریم‌ها از سوی آمریکا کمک کند. برخی از تحلیل‌گران، مذاکرات جدید و جداگانه‌ای را پیشنهاد کرده‌اند که برنامه‌های موشکی و سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای را هدف‌گذاری کند. این درحالی است که برجام همچنان به قوت و در جایگاه خود باقی خواهد ماند. عده‌ای نیز مذاکرات دوباره (به ویژه در مورد تاریخ انقضای قرارداد محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران) را پیشنهاد داده‌اند که ایران به‌صراحت با آن مخالفت کرده است.

مقاله حاضر که به تحلیل روایی قرارداد ایران در سرمقاله‌های نشریه‌های آمریکایی و انگلیسی در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۷ تا مه ۲۰۱۸ پرداخته است، دو هدف را دنبال می‌کند؛ نخست، در پی این است که الگوهای کلیدی رقابت گفتمانی در مورد ساخت اجتماعی موفقیت‌ها و شکست‌های یک سیاست خارجی را ارائه دهد و به این پرسش پاسخ دهد که چه عناصر گفتمانی‌ای در روایت‌های رقیب رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی در مورد موفقیت یا شکست سیاست خارجی «قرارداد هسته‌ای ایران» مطرح شده‌اند؟ و چگونه منتقدان این تصمیم سیاست خارجی تلاش می‌کنند آن را به‌عنوان یک شکست معرفی کنند و طرفداران این تصمیم برای ساخت موفق آن می‌کوشند؟ دوم، این مقاله بر اهمیت و تأثیرگذاری نحوه بیان روایت‌ها بر موفقیت یا شکست این مبارزات و جنگ‌های گفتمانی تأکید می‌کند.

در پژوهش حاضر، عوامل مؤثر بر ایجاد روایت غالب، شامل قدرت و اقتدار

راوی یا تمایلات فرهنگی نهادینه در مخاطب تشریح می‌شود و درحالی‌که انتظار داریم توضیحات راوی از تأثیرگذاری بالایی برخوردار باشد و اوباما و دولت او نیز روایت موفق را بیان می‌کنند، اما رویکرد مخاطب به دلیل دشمنی پیشین و نهادینه در گفتمان عمومی آمریکا در مورد نظام ایران، به‌سوی روایت شکست خواهد بود. در مقابل این رویکردها، مقاله حاضر توجه خود را بر برجستگی نسبی عناصر مختلف روایت در روایت‌های رقیب متمرکز خواهد کرد.

۱. پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌های مربوط به تحلیل گفتمان انتقادی در مورد بازتاب مسائل هسته‌ای ایران در رسانه‌های غربی انجام شده‌اند که پژوهش‌های عطایی و رضایی^۱، بهنام و مشتاقی زنوس^۲ و شمس^۳ از جمله این پژوهش‌ها هستند.

شمس (۲۰۰۶) بازتاب برنامه هسته‌ای ایران را در ۱۶۰ خبر که توسط گروهی از روزنامه‌های انگلیسی در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ چاپ شده بودند، بررسی کرده و نتیجه گرفته است که در این روزنامه‌ها، ایران به‌عنوان یک تهدید، مطرح و برنامه هسته‌ای ایران به‌گونه‌ای منفی بازنمایی شده است.

بهنام و مشتاقی زنوس (۲۰۰۸) در یک تحلیل تطبیقی بین نشریه‌های ایرانی و انگلیسی، برنامه هسته‌ای ایران را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، روزنامه‌های انگلیسی، برنامه هسته‌ای ایران را به‌گونه‌ای منفی به‌تصویر می‌کشند، درحالی‌که روزنامه‌های ایرانی با دیدگاهی مثبت به این برنامه نگریده‌اند.

عطایی و رضایی (۲۰۰۹)، بازتاب مسائل هسته‌ای ایران را در روزنامه‌ها و اخبار شبکه‌های تلویزیونی آمریکا در بازه زمانی ژوئیه ۲۰۰۶ تا ژوئیه ۲۰۰۷ بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تصویر منفی از برنامه هسته‌ای ایران در نشریه‌های آمریکایی غالب است.

1. Atai and Rezaie
2. Behnam and Moshtaghi Zenous
3. Shams

۲. چارچوب نظری

استفاده از روایت در پژوهش‌ها به گونه‌ای گسترده پذیرفته شده است و تعداد روزافزونی از پژوهشگران، انواع مختلف این روش را برای بررسی گستره وسیعی از پدیده‌های متفاوت به کار می‌برند (Miskimmon, O'Loughlin and Roselle, 2013). از تحلیل روایی برای بررسی پدیده‌هایی مانند تحلیل هویت ملی (Campbell, 1998; Honneland, 2010)، مسائل امنیتی (Hansen, 2006; Krebs, 2015a)، سیاست خارجی (Ringmar, 1996; Browning, 2008)، تروریسم غیردولتی (Spencer, 2016)، یا سنجش افکار عمومی (De Graaf, Dimitriu and Ringsmose, 2015) استفاده شده است.

برای درک اهمیت روایت در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی، دو گونه استدلال به هم مرتبط وجود دارد؛ نخست اینکه، در رویکردهای زبان‌شناختی و روان‌شناسی روایی، روایت‌ها، ابزارهای ضروری‌ای برای بررسی فعالیت ذهنی انسان به شمار می‌آیند. در این بررسی‌ها، مغز انسان، روابط پیچیده را به شکل ساختارهای روایی دریافت و سازمان‌دهی می‌کند (Sarbin, 1986; Turner, 1996; Sommer, 2009). دوم، همان‌گونه که هایدن وایت^۱ (۱۹۸۷) مطرح می‌کند، روایت‌ها در هر فرهنگی وجود دارند و برای جامعه‌سازی و ایجاد یک هویت مشترک، ضروری هستند (Suganami, 2008; Erll, 2009; Fludernick, 2009). روی هم رفته، بسیاری از پژوهشگرانی که روایت‌ها را در تحلیل روابط بین‌الملل به کار برده‌اند، بر این نظرند که انسان، دنیای اطراف خود را در چارچوب روایت‌ها درک و فهم می‌کند؛ روایت‌ها «کار سیاسی انجام می‌دهند» (Kohler Riessman, 2008: 8)، نقش مهمی در شکل‌دهی به هنجارها، هویت‌ها، و ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کنند، و پایه و اساس ساخت دنیای سیاسی، و موفقیت و شکست سیاست‌ها را تشکیل می‌دهند (Somers, 1994; Ewick and Silbey, 1995; Shenhav, 2006).

ادلمن^۲ (۱۹۸۸: ۳۱) این‌گونه استدلال می‌کند که: «بیان یک شکست سیاسی در رسانه‌ها، ایجاد و خلق زبانی برای طرح آن است و پذیرش آن، یک عمل سیاسی است، نه دانستن یک واقعیت». برخی نویسندگان نیز تأکید کرده‌اند که شکل‌گیری

1. Hayden White
2. Edelman

یک شکست سیاسی و سرزنش آن، به رقابت روایت‌ها یا چارچوب‌های رقیب مربوط می‌شود (Brändeström and Kuipers, 2003; Boin, 't Hart and McConnell; 2009; Oppermann and Spencer, 2016).

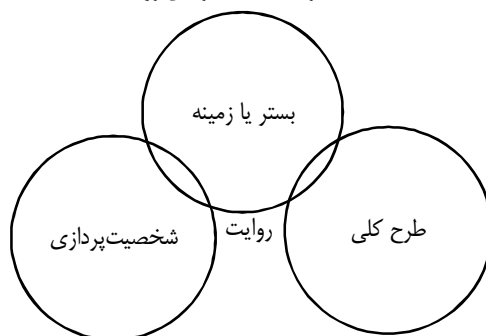
تحلیل شیوه بیان، و رقابت روایت‌های موفقیت‌ها و شکست‌های سیاست خارجی برای تفسیر رخدادها پیچیده در سیاست‌های بین‌المللی، در نهایت، به فهم توزیع قدرت گفتمانی کمک می‌کند (Freedman, 2006: 22-26; Miskimmon, O'Loughlin and Roselle, 2013: 1-11; Patterson and Renwick Monroe, 1998: 315-316).

تحلیل روایی، نوع خاصی از تحلیل گفتمان است که مانند سایر روش‌های تحلیل گفتمان، از جمله تحلیل استعاره (Oppermann and Spencer, 2013)، بر عناصر ویژه‌ای از گفتمان تأکید دارد. روایت‌ها به‌عنوان «روش و حالت نمایندگی کلام» (White, 1987: 26)، راهی برای ساخت و سازمان‌دهی گفتمان هستند. در مطالعات روایت‌شناختی بر سه ساختار خاص روایت تأکید می‌شود: (۱) بستر یا زمینه رویداد؛ (۲) شخصیت‌پردازی؛ و (۳) طرح کلی رویداد. روایت‌های موفقیت و شکست سیاست خارجی در هر یک از این ساختارها، شامل رقابت مجموعه‌ای از عناصر کلیدی تصمیم‌های سیاست خارجی و بافت گسترده‌تر آن‌ها است.

سه ساختار «بستر، شخصیت‌پردازی، و طرح کلی» بر مبنای عناصر تشکیل‌دهنده یک روایت در نظر گرفته شده‌اند، زیرا این سه عنصر، اجزای کلیدی روایت‌ها را تشکیل می‌دهند. بستر یا زمینه رویداد، دربردارنده عناصر فیزیکی پس‌زمینه و همچنین، عناصر اندیشه‌ای و ایده‌آل موضوع روایت است؛ شخصیت‌پردازی، شامل صفت‌ها و ویژگی‌های بازیگران و کارگزاران درگیر در روایت می‌شود و طرح کلی نیز عملکرد، رویدادها، و روابط علی را بیان می‌کند. بی‌شک، هریک از این ساختارها می‌توانند با نام‌های دیگری نیز به کار برده شوند، اما صرف‌نظر از نامی که به عناصر روایی داده می‌شود، این سه ایده برای ساختار بندی روایت‌ها ضروری هستند. در عین حال، توجه به این نکته لازم است که این سه عنصر روایت می‌توانند در برخی موارد، هم‌پوشانی داشته باشند؛ به‌عنوان مثال، جنبه‌های مختلف بستر یا زمینه می‌توانند، دلیلی بر عملکرد یک کارگزار بوده و در نتیجه، بخشی از طرح روایت به‌شمار آیند. مقصود این نیست که ابعاد خاصی از یک روایت را در یک

طبقه خاص قرار دهیم، بلکه هدف این است که تمام عناصر لازم برای ساخت یک روایت مهم را در نظر بگیریم. روی هم رفته، چارچوب تحلیل، یک روش اکتشافی^۱ است که به ساختار نظام مند پژوهش کمک کرده، تحلیل تجربی را که در قسمت بعد ارائه خواهد شد، هدایت می کند.

شکل شماره (۱). ساختارهای روایت



۲-۱. بستر یا زمینه^۲

منظور از بستر یا زمینه، چیزی شبیه صحنه نمایش یا فیلم است که در آن، روایت و داستان بیان می شود (Toolan, 2001: 41). چهار بُعد از بستر در بیان روایت های موفقیت و شکست یک سیاست خارجی مهم هستند که در برخی موارد، هم پوشانی نشان می دهند؛ نخست، بستر موفقیت و شکست، شامل بیان مخاطرات و ریسک بالایی است که وجود دارد (S1). مبارزات روایی در مورد موفقیت یا شکست یک سیاست خارجی، در نخستین گام، در مورد تصمیم های بسیار مهم رخ می دهند (Bovens and 't Hart, 2016: 659-660; Boin, 't Hart and McConnell, 2009: 85-86; Howlett, 2012: 542-543; Brändeström and Kuipers, 2003: 290-292). چنانچه بستر به گونه ای بازنمایی شود که اهمیت یک موقعیت را برای بسیاری از بازیگران، به خوبی به تصویر بکشد، ادعای موفقیت یا شکست آن سیاست و مبارزه روایی، برای اثبات آن، اهمیت فراوانی در گفتمان خواهد داشت.

دوم، مبارزات روایی در مورد موفقیت یا شکست یک سیاست خارجی

1. Heuristic
2. Setting

در صورتی امکان‌پذیر است که شامل رقابت در دسترسی به گزینه‌های مختلف باشد (S2). ادعای شکست یک سیاست، زمانی قوی‌تر است که در بستری از حضور گزینه‌های متفاوت و مناسب رخ دهد. روایت‌هایی که در آن‌ها، کارگزاران، به‌جز آنچه انجام داده‌اند، گزینه دیگری ندارند، روایت شکست به‌شمار نمی‌آیند (Ingram and Mann, 1980: 14). مفهوم «شکست» اغلب، وجود گزینه‌های «بهتر» که تصمیم‌گیرندگان نتوانسته‌اند تشخیص دهند یا به‌کار گیرند را دربرمی‌گیرد (Grant, 2009: 559). درحالی‌که گزینه‌های شکست یک سیاست خارجی، بستری را دربرمی‌گیرند که گام، پنجره، یا انتخاب‌هایی را برای کارگزار باز می‌کند و روایت‌های مخالف دسترسی به این گزینه‌ها را انکار کرده، مردود می‌خواند (Bovens and 't Hart, 1996: 73-84; Hood, 2002).

سوم، بستر یا زمینه، بافت گسترده‌تری را دربر می‌گیرد که در آن، تصمیم‌های سیاست خارجی اتخاذ می‌شوند (S3) و به تشریح مشکلات سیاست خارجی که این تصمیم‌ها به آن‌ها پاسخ می‌دهند، کمک می‌کند (Sylvan, 1998). به‌این ترتیب، پس‌زمینه قضاوت درباره‌ی مناسب بودن این تصمیم‌ها شکل می‌گیرد؛ به‌ویژه، اگر بافت تصمیم‌ها به روشی ارائه شود که نشان دهد، هنجارها و ارزش‌های مشترک نقض شده‌اند، تصمیم‌های سیاست خارجی با احتمال بیشتری، به‌عنوان شکست در نظر گرفته می‌شوند و به‌این ترتیب، نامناسب و نامشروع به‌نظر می‌رسند (Gray, 1998a; McConnell, 2016: 673). در نتیجه، مبارزات روایی درباره‌ی موفقیت یا شکست یک سیاست خارجی، شامل مبارزه در مورد تفسیر درست و صادقانه بستر تصمیم‌گیری است.

چهارم، استفاده از شباهت‌ها یا قیاس‌های تاریخی^۱، یک ابزار گفتمانی در مبارزات روایی موفقیت یا شکست یک سیاست است (S4) (Khong, 1992). به‌ویژه اینکه از این قیاس‌ها برای پیوند زدن دنیای حاضر به دنیای قدیم استفاده می‌شود. این‌ها ابزارهایی هستند که به‌وضوح روایت‌های امروز را به روایت‌های دیروز پیوند می‌دهند. قیاس، مانند استعاره، به درک و فهم ما از یک رویداد با استفاده از یک رویداد دیگر و با انتقال دانش در مورد موفقیت‌ها یا شکست‌ها از یک بستر تاریخی

به بحث سیاست خارجی امروزی، کمک می‌کند (Shimko, 1994; Spencer, 2012; Oppermann and Spencer, 2013).

۲-۲. شخصیت‌پردازی^۱

دومین بُعد روایت‌ها، شخصیت‌پردازی کارگزارانی است که در یک داستان یا روایت درگیر هستند و مشارکت می‌کنند (Fludernik, 2001: 46). روایت‌های موفقیت یا شکست سیاسی، به شناخت و شخصیت‌پردازی کارگزاران مؤثر در تنظیم و سیاست‌گذاری آن در سطح فردی و گروهی بستگی دارد (Gray, 1998b: 8).

در این ساختار نیز چهار روش وجود دارد. روش نخست، شامل انتساب یک برچسب یا نام مستعار به تصمیم‌گیرندگان است (C1) مانند انتساب لقب «بانوی آهنین»^۲ به مارگارت تاچر یا «کابوی» به جورج بوش یا یاد کردن از برخی کشورها به‌عنوان «دوستان قدیم» یا «دشمنان تاریخی».

دوم، شخصیت‌پردازی دربردارنده رقابت در مورد ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، و رفتارهای شخصی تصمیم‌گیرندگان است (C2). روایت شکست سیاسی، این کارگزاران را به‌صورت منفی به‌تصویر می‌کشد، درحالی‌که روایت موفقیت سیاسی، شخصیت‌پردازی مثبت تصمیم‌گیرندگان را نیز دربر می‌گیرد؛ به‌ویژه، ساخت روایی موفقیت‌ها یا شکست‌های سیاست خارجی را می‌توان از شخصیت‌پردازی تصمیم‌گیرندگانی به‌دست آورد که توانایی، بینش، اعتبار، و صداقتشان را تأیید یا تکذیب می‌کنند. نمونه روایت‌های شکست، دربردارنده ادعای بی‌تجربگی، ضعف، عدم صداقت، یا خودبزرگ‌بینی و همچنین، دخالت دادن انگیزه‌های سیاسی شخصی یا داخلی، در تصمیم‌های سیاست خارجی است (Boin, 't Hart and McConnell, 2009: 96-100; Bovens, 't Hart and Peters, 1998: 199; Dunleavy, 1995: 61-64; Gray, 1998a: 117-119). افزون‌بر این، توصیف رفتارها بر چگونگی و نحوه درک ما از شخصیت تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارد؛ درحالی‌که روایت‌های شکست ممکن است این رفتارها را به‌عنوان مثال-بی‌فکری، گستاخی، دمدمی‌مزاجی، یا قضاوت اشتباه تعبیر

1. Characterization
2. Iron Lady

کنند، روایت‌های موفقیت، آن‌ها را هوشمندانه، مدبرانه، و آگاهانه می‌دانند. سوم، یک روش مهم برای شخصیت‌پردازی تصمیم‌گیرندگان، قرار دادن آن‌ها در ارتباط با سایر بازیگران است (C3). این «تداعی شخصیت» به انتقال شهرت و تصویر بازیگران پیشین به بازیگران امروزی منجر می‌شود؛ به‌عنوان مثال، روایت‌های موفق، تصمیم‌گیرندگان را با تداعی بازیگران مورداحترام مطرح می‌کنند، درحالی‌که روایت‌های شکست، تلاش می‌کنند با انتساب بازیگران به شخصیت‌های شرور و فاسد، آن‌ها را تخریب کنند (Fludernik, 2001: 44-45).

چهارم، در سطح گروهی، شخصیت‌پردازی بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی متمرکز است (C4). مبارزات روایی در مورد شکست یا موفقیت سیاست خارجی، اغلب رقابت بر سر ویژگی‌های فرایند را دربرمی‌گیرد، زیرا این روش، نکته‌های کلیدی را برای قضاوت خواننده در مورد کیفیت و مشروعیت تصمیم‌ها و نتایج سیاست خارجی فراهم می‌کند. در مورد روایت‌های شکست، نمونه‌های شخصیت‌پردازی منفی فرایندهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی، شامل عجله غیرمنطقی، عدم رعایت تشریفات قانونی، پردازش متعصبانه و مغرضانه اطلاعات، نظارت غیرمؤثر و ناکارآمد، و عدم مشورت است (Janis, 1989: 3-24; Dunleavy, 1995: 59-68; Marsh and McConnell, 2010: 572-573).

۳-۲. طرح کلی^۱

سومین بُعد تشکیل‌دهنده روایت‌های موفقیت یا شکست، رویداد، طرح، و موضوعی است که رخ داده است (Fludernik, 2001: 5). در واقع، رویدادی که به‌عنوان نتیجه یک اقدام در نظر گرفته می‌شود، باید به عملکرد بیشتر منجر شود. رخداد‌های یک روایت به‌تنهایی رخ نمی‌دهند، بلکه باید در ارتباط با سایر رخدادها قرار گیرند (Baker, 2010: 353).

در اینجا، باید یک بُعد موقتی و علی را در نظم و ترتیب رخدادها و عملکردها دریافت. درحالی‌که عناصر موقتی روایت‌ها، پیش‌زمینه رخداد‌های خاص را شکل می‌دهند و سایر رخدادها را محدود یا خاموش می‌کنند، «طرح‌بندی علی»، روابط علت و معلولی میان عناصر یک روایت را توضیح می‌دهند. طرح کلی، امکان

توضیح رویدادها را فراهم می‌کند و تنها به فهرست کردن آن‌ها بسنده نمی‌کند. در این مورد نیز چهار بُعد خاص وجود دارد که به ایجاد طرح کلی در رقابت‌ها و مبارزات روایتی درباره موفقیت یا شکست سیاست خارجی کمک می‌کند. در روایت‌های موفقیت یا شکست، طرح کلی با انتساب موفقیت یا شکست به یک رویداد آغاز می‌شود. این انتساب‌ها، سیاست را به‌عنوان موضوعی «غیرمعمول یا غیرعادی»، به‌معنای مثبت یا منفی، تعبیر و تفسیر می‌کند (E1) (Howlett, 2012: 543-544).

افزون‌براین، طرح کلی به تشریح دلایلی می‌پردازد که یک سیاست باید موفق یا ناموفق در نظر گرفته شود و معمولاً دو داستان متفاوت را در پی دارد: در داستان نخست، دلایل موفقیت یا شکست یک سیاست به تأمین یا عدم تأمین اهداف تعیین‌شده محدود می‌شود (E2). این روش، در مطالعات ارزیابی سیاست‌ها، یکی از معمول‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای قضاوت درباره یک سیاست است. اگر سیاست‌ها نتوانند اهداف خاصی را تأمین کنند یا نتوانند معیارهای موفقیت را به‌دست آورند، شکست تلقی می‌شوند (Howlett, 2012: 541-542; McConnell, 2010: 349-351). مبارزات روایی درباره موفقیت یا شکست یک سیاست، دربردارنده ادعاها و ضدادعاهایی در مورد دستیابی یا عدم دستیابی به اهداف موردنظر است. البته این ادعاها با بحث‌ها در مورد مناسب بودن اهداف، در هم تنیده‌اند و شامل بحث‌ها و استدلال‌هایی درباره اهدافی هستند که می‌توان به‌گونه‌ای واقعی در یک بستر مشخص، به‌دست آورد (S3). در داستان دوم، دلایل موفقیت یا شکست یک سیاست به نتایج مثبت یا منفی آن مربوط می‌شود (E3). مبارزات روایی دربردارنده ارجاعات گسترده به هزینه‌های یک سیاست، ضررها و خسارت‌های ایجادشده، و همچنین، نتایج منفی غیرعمد است (Dunleavy, 1995: 52; King and Crewe, 2013: 4). موفقیت یا شکست به‌صورت زنجیره‌ای از رخدادها طراحی و به موضوعی ختم می‌شود که ممکن است مطلوب یا نامطلوب باشد (Gray, 1998b: 8).

درنهایت، طرح کلی به‌معنای توضیح چرایی موفقیت یا شکستی است که رخ داده است و کسی که باید سرزنش شود (E4). روایت‌های موفقیت و شکست به برقراری یک پیوند علی میان کارگزاران و سیاست‌ها یا نتایجی که (نا)مطلوب توصیف شده‌اند، بستگی دارد. در مورد شخصیت‌پردازی کارگزاران مؤثر، روایت‌ها

باید مسئولیت و اعتبار یا سرزنش را به‌عنوان یک جزء ضروری، به هر ساخت اجتماعی موفقیت یا شکست سیاست نسبت دهند که بر مبنای آن، مخاطب بتواند به ایده و رأی خود دست یابد (Gray, 1998b: 8-9). مهم‌تر اینکه، توضیح علت و معلولی شکست و موفقیت یک سیاست و نسبت مسئولیت‌ها به کارگزاران، با یکدیگر در پیوند هستند. روایت‌های شکست، قانع‌کننده‌تر خواهند بود، اگر ادعای آن‌ها در مورد قابل پیش‌بینی و کنترل بودن پیامدهای منفی یک سیاست خارجی در هنگام تدوین، پذیرفتنی باشد (Bovens and 't Hart, 1996: 73-90; Howlett, 2012: 543). در ضمن، اگر از سیاست موردنظر به‌گونه‌ای گسترده در زمان خود تمجید/انتقاد شود و در راستا یا برخلاف توصیه ناظران یا تصمیم‌گیرندگان اتخاذ شده باشد، نسبت دادن مسئولیت به کارگزاران، آسان‌تر می‌شود (Tuchman, 1984: 5).

جدول شماره (۱). عناصر روایی موفقیت و شکست یک سیاست خارجی

بستر	شخصیت‌پردازی	طرح کلی
S1: وجود خطر و ریسک بالا	C1: به کار بردن القاب	E1: انتساب «غیرعادی» به سیاست به صورت مثبت/منفی
S2: در دسترس بودن سایر گزینه‌ها	C2: ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، و رفتار شخصی تصمیم‌گیرندگان	E2: (عدم) تأمین اهداف
S3: تشریح بافت تصمیم	C3: پیوند تصمیم‌گیرندگان با سایر شخصیت‌ها	E3: نتایج بسیار منفی/مثبت
S4: قیاس‌های تاریخی	C4: فرایند تصمیم‌گیری	E4: شناسایی فرد مسئول

۳. روش‌شناسی

این مطالعه براساس روش پژوهش تحلیلی-توصیفی انجام شده و از نوع تحلیل گفتمان روایتی است. از آنجاکه گفتمان‌ها در مطالعات تحلیل گفتمان، به‌مثابه «راه‌های بازنمایی ابعادی از دنیا» (Fairclough, 2003: 124) هستند، هر گفتمانی یک دیدگاه خاص را در مورد جهان تحقق می‌بخشد. گفتمان، «جهان را به روش‌هایی توضیح می‌دهد که جایگاه آن را توجیه می‌کند» (Philo and Berry, 2011: 174). براساس نظر بلومارت، «معانی به‌طور هم‌زمان تولید می‌شوند» (Blommaert, 2005: 126). فالور نیز می‌گوید: «اخبار، بازتاب بی‌ارزشی از واقعیت‌ها نیستند. هر چیزی که درباره دنیا گفته یا نوشته می‌شود، از یک جایگاه ایدئولوژیک خاص بیان می‌شود» (Fowler, 1991: 101).

۴. ابزار و داده‌های تحلیل

این مقاله روایت‌های رقیب موفقیت و شکست «قرارداد هسته‌ای ایران» را در رسانه‌های غربی آمریکایی و انگلیسی از منظر تحلیل روایی، بررسی می‌کند. داده‌ها از سرمقاله‌های انتخاب‌شده از روزنامه‌های مهم آمریکایی و انگلیسی در مورد قرارداد هسته‌ای ایران به‌دست آمده‌اند. به این منظور، ۳۰ سرمقاله، مطالعه شده‌اند. در میان روزنامه‌های آمریکایی، ۱۸ سرمقاله از چهار روزنامه پرتیراژ آمریکا، یعنی نیویورک تایمز، یواس‌آ تودی، واشنگتن‌پست، و واشنگتن‌تایمز و از رسانه‌های انگلیسی، ۱۲ سرمقاله از بی‌بی‌سی و گاردین در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۷ تا مه ۲۰۱۸ انتخاب شدند. دلیل اصلی انتخاب این خبرگزاری‌های آمریکایی و انگلیسی، شهرت آن‌ها در آمریکا و انگلیس و در سطح بین‌المللی، و تیراژ بالای این رسانه‌ها بود. تمام سرمقاله‌ها از سایت‌های رسمی این خبرگزاری‌ها دانلود شدند. دلیل انتخاب سرمقاله برای تحلیل این بوده است که به‌قول تئون ون‌دایک، سرمقاله‌ها در شکل‌دهی به آرا و گفتمان عامه مردم، نقش مهمی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، رسانه‌ها می‌توانند بر سیاست‌گذاری سیاست‌گذاران، تأثیرگذار باشند. افزون‌براین، از آنجاکه در بسیاری از موارد، سرمقاله‌ها بدون نام و امضا چاپ می‌شوند، دیدگاه یا جهت‌گیری ایدئولوژیک نشریه مربوطه را بازتاب می‌دهند و عقاید شخصی نویسنده را نمایندگی نمی‌کنند (Van Dijk, 1996).

جدول شماره (۲). فراوانی عنوان‌ها در سرمقاله‌های آمریکایی و انگلیسی

ردیف	عناوین	فراوانی
۱	قدرت‌های جهانی با وجود تهدید ترامپ به قرارداد هسته‌ای ایران پایبند هستند / بی‌بی‌سی	۲۹
۲	سخنان ترامپ در مورد ایران برای روابط آمریکا/ بریتانیا چه معنایی دارد؟ / بی‌بی‌سی	۴
۳	حمایت اروپا از قرارداد هسته‌ای ایران، پشتیبانی عربستان سعودی از حرکت ترامپ / بی‌بی‌سی	۳
۴	قرارداد هسته‌ای ایران: قدرت‌های اروپایی اصرار دارند که آمریکا خارج نشود / بی‌بی‌سی	۲
۵	محافظه‌کاران ایران، مذاکره‌کنندگان را درباره قرارداد هسته‌ای تحت فشار قرار دادند: «آخرین مأموریت بازیگران» / گاردین	۱
۶	مشکل قرارداد هسته‌ای ایران چیست و اکنون چه کاری می‌توان انجام داد؟ / گاردین	۲
۷	دیدگاه گاردین درباره عدم تأیید قرارداد هسته‌ای ایران: پر از خشم و هیاهو / گاردین	۸
۸	دیدگاه گاردین درباره ایران: قرارداد هسته‌ای فاجعه نیست، اما پاره کردن آن می‌تواند باشد / گاردین	۱
۹	قرارداد هسته ایران یک موفقیت است و با آن تمام دنیا امن‌تر است / گاردین	۳
۱۰	ترامپ، کیم را متجاوز می‌نامد، درحالی‌که خود برای تخریب قرارداد هسته‌ای ایران تلاش می‌کند / گاردین	۳
۱۱	سخنان تند ترامپ در مورد ایران می‌تواند به یک فرار بزرگ و بدون سرزنش ختم شود / گاردین	۶

۱۲	اوباما نقض «اشتباه» قرارداد ایران را محکوم کرد، درحالی که جمهوریخواهان این حرکت را تشویق کردند/ گاردین	۱۶
۱۳	تنش، ارزش قرارداد هسته‌ای را نشان می‌دهد، نه خطر آن را/ نیویورک تایمز	۱۱
۱۴	آقای ترامپ، قرارداد هسته‌ای ایران را پاره نکن / نیویورک تایمز	۹
۱۵	حفظ قرارداد هسته‌ای ایران ارزش ندارد / نیویورک تایمز	۸
۱۶	چرا عدم تأیید قرارداد هسته‌ای ایران ایده اشتباهی است / نیویورک تایمز	۱۲
۱۷	رئیس‌جمهور ترامپ، قرارداد هسته‌ای ایران را تأیید کن / یواس‌ا تودی	۲
۱۸	قرارداد هسته‌ای ایران کارآمد است / یواس‌ا تودی	۱۴
۱۹	«عدم تأیید، فشار و اصلاح» / یواس‌ا تودی	۶
۲۰	لی زلدین، نماینده کنگره: قرارداد ایران از نظر تاریخی بد است / یواس‌ا تودی	۱
۲۱	دیپلمات دوره اوباما: دونالد ترامپ باید پیگیر یک قرارداد گسترده‌تر و بهتر با ایران باشد / یواس‌ا تودی	۲
۲۲	چگونه رؤسای جمهور از پرتوها برای شکل دادن به میراث خود استفاده می‌کنند / واشنگتن پست	۳
۲۳	حماقت خطرناک ترامپ درباره قرارداد هسته‌ای ایران / واشنگتن پست	۴
۲۴	توافق هسته‌ای «بدترین قرارداد» برای ایران است / واشنگتن پست	۲
۲۵	قرارداد ایران کارآمد است. این چیزی است که ما می‌دانیم / واشنگتن پست	۸
۲۶	۵ دلیل برای تنفر ترامپ از قرارداد ایران / واشنگتن پست	۱
۲۷	ترامپ قرارداد ایران را پاره نکرد، اما بدترین کار را انجام داد / واشنگتن پست	۱
۲۸	چرا ملاقات ترامپ-کیم محکوم به شکست است / واشنگتن پست	۳
۲۹	اتحادیه اروپا، حاکمان ایران را از طریق عینک رنگی می‌بیند / واشنگتن پست	۸
۳۰	گروه اپوزیسیون می‌گوید که ایران با تحقیقات سلاح‌های هسته‌ای مخفی، قرارداد آمریکا را نقض کرده است / واشنگتن پست	۳

۵. تحلیل روایت‌های موفقیت و شکست قرارداد هسته‌ای ایران

در این تحلیل، در پی بررسی گفتمانی روایت‌ها و مباحث پشت پرده تلاش ترامپ برای تأیید نکردن و خروج از برجام و تلاش دولت اوباما برای انعقاد «یک قرارداد هرچند ناقص هستیم که {آمریکا} و دنیا را امن‌تر کرده است» (Obama, 2015b, Whitehouse Website).

خط اصلی تمام این سرمقاله‌ها این است که «ایران به تمام تعهدات خود در برجام عمل کرده است». از سوی دیگر، ادعای اوباما در مورد «تمام اهداف قرارداد برآورده شده است» (Obama, 2015b, Whitehouse Website) و در این قرارداد، تمام راه‌های دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بسته است و قرارداد شامل یک بازرسی جامع و کامل است که تضمین می‌کند «اگر ایران، خلاف قرارداد عمل کند، آن‌ها متوجه خواهند شد» (Obama, 2015a, Whitehouse Website)، با این حال، این قرارداد مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. درحالی که سرمقاله‌های موافق برجام به ارائه روایت‌هایی برای حمایت از بزرگ‌ترین دستاورد سیاست خارجی دولت اوباما می‌پردازند، سرمقاله‌های مخالف، روایت‌های مخالفی را بیان می‌کنند و قرارداد

هسته‌ای را به‌مثابه یک شکست مهم در سیاست خارجی آمریکا بازنمایی می‌کند. هدف این مقاله، شناسایی عناصر گفتمانی اصلی به‌کاررفته در این دو روایت رقیب است. به این منظور، از کدگذاری متون سرمقاله‌ها براساس عناصر روایی موفقیت و شکست سیاست خارجی استفاده شد (جدول شماره ۱).

۶. تحلیل عنوان‌ها

بررسی دقیق‌تر عنوان‌های دوگانه ایدئولوژیک، الگوهای موضوعی نهفته و زیربنایی را نشان می‌دهد و افزون‌براین، بر وجود برخی نظرات مشترک میان روایت‌های موافق و مخالف دلالت دارد. این به آن معنا است که تصویر انتقال‌یافته به مخاطب در هر دو روایت، بر عمل صواب خودی‌ها و کردار ناپسند بیگانگان تأکید دارد؛ از این رو، یک تصویر منفی از ایران به‌نمایش گذاشته می‌شود، درحالی‌که آمریکا و هم‌پیمانان او مثبت نشان داده می‌شوند. همچنین، درون‌مایه غالب این عنوان‌ها بر این امر دلالت دارد که با وجود «بد بودن قرارداد» و «استفاده ایران از مزایای قرارداد در حمایت از تروریسم و سازمان‌های تروریستی»، «وجود یک قرارداد بد، بهتر از نبودن قرارداد است».

این عنوان‌ها تلاش می‌کنند این پیام را منتقل کنند که تهدیدهای آمریکا برای خروج از برجام می‌تواند از یک سو موجب تیرگی روابط این کشور با کشورهای اروپایی هم‌پیمانانش شوند و از سوی دیگر، زمینه‌های خوشحالی هم‌پیمانان آمریکا در منطقه خاورمیانه را فراهم کنند^۱. واضح است که این دوگانگی ایدئولوژیک می‌تواند بر آینده روابط آمریکا و اروپا تأثیرگذار باشد. البته در بررسی آینده روابط آمریکا و انگلیس باید نتایج خروج انگلیس از اتحادیه اروپا را نیز در نظر گرفت. حمایت سعودی‌ها از اقدامات ترامپ علیه ایران و قرارداد هسته‌ای، نشان‌دهنده دشمنی عربستان با ایران و احتمال ایجاد یک مسابقه هسته‌ای در منطقه خاورمیانه در آینده نزدیک است.

یکی دیگر از مفاهیم و مضمون‌ها، بیان نتایج رفتار اشتباه ترامپ در مورد قرارداد هسته‌ای ایران است. در روایت موفقیت برجام، بر اختلاف‌نظر اروپا و

آمریکا در نتیجه خروج آمریکا از برجام^۱، فاجعه‌آمیز بودن این خروج^۲، و تأثیر آن بر امنیت جهانی^۳ تأکید شده است.

۷. تحلیل متن کامل

به‌منظور درک بهتر چشم‌انداز قرارداد هسته‌ای و بازنمایی این قرارداد در سرمقاله‌های آمریکایی و انگلیسی، متن کامل سرمقاله‌ها در دو روایت موافق و مخالف نیز بررسی شدند. نخستین نکته قابل‌تأمل این است که توزیع عناصر روایی در دو روایت رقیب، تأییدکننده این بحث است که روایت‌های موافق و مخالف برجام از ساختار مشابه و محتوای متفاوتی پیروی می‌کنند. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این مطلب است که تنها تعداد اندکی از عناصر روایی نسبت به سایر روایت‌ها، اهمیت و برجستگی بیشتری دارند.

۷-۱. بستر یا زمینه

«خطر نهفته در قرارداد هسته‌ای»، پیش‌زمینه روایت‌های موافق و مخالف قرارداد هسته‌ای را شکل می‌دهد (S1). سرمقاله‌های موافق قرارداد هسته‌ای، آن را «یک قرارداد کارآمد و مؤثر^۴» معرفی می‌کنند که «تأثیر بسیاری بر امنیت آمریکا و متحدان آن^۵» دارد، اما سرمقاله‌های مخالف، قرارداد هسته‌ای را «بدترین قرارداد در جهان^۶» توصیف می‌کنند و از دونالد ترامپ می‌خواهند، تمام تلاش خود را برای «پاسخ‌گو ماندن ایران به تعهداتش» و «مقابله با خطر ایران^۷» به‌کار گیرد.

یکی دیگر از موضوعات کلیدی، مشاجره میان دو گروه در مورد این موضوع است که آیا مذاکرات هسته‌ای در زمینه و بستری رخ داده است که دولت اوپاما، فضا و فرصتی برای یک انتخاب معنادار و پرمغز از میان گزینه‌های مختلف سیاسی

۱. سرمقاله ۲.
۲. سرمقاله ۸.
۳. سرمقاله ۹.
۴. سرمقاله ۱.
۵. سرمقاله ۳.
۶. سرمقاله ۲.
۷. سرمقاله ۳.

نداشته است (S2). بحث‌ها و استدلال‌ها از یک عدم توافق شدید میان مخالفان و موافقان قرارداد در مورد امکان وجود گزینه‌های بهتر و مؤثرتر حکایت دارد. گفتمان روایت موافق این است که «این قرارداد، بهترین راهبرد در دسترس برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است»^۱. این روایت‌ها، برجام را «تنها گزینه مؤثر»^۲ معرفی می‌کنند و می‌گویند: «تمام کسانی که در این مذاکرات زجرآور درگیر بوده‌اند - که به انعقاد قرارداد هسته‌ای منتهی شد- می‌دانند که هیچ قرارداد بهتری در دسترس نبود»^۳. روایت‌های موافق قرارداد هسته‌ای، با اشاره به رفتار کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، تأکید می‌کنند که «بهتر است با ارائه مشوق‌ها به تهران برای بهبود رفتار آن تلاش کنیم تا اینکه بهانه‌ای برای ازسرگیری برنامه ساخت سلاح‌های هسته‌ای آن فراهم کنیم»^۴. این روایت، گزینه جایگزین فرضی و غیرقابل‌پذیرش موجود را دخالت نظامی در ایران معرفی می‌کند؛ به‌ویژه، سرمقاله‌های طرفدار برجام، عنوان می‌کنند که شرکای بین‌المللی آمریکا در برجام حاضر به مذاکره برای انعقاد یک قرارداد دیگر یا وضع دوباره تحریم‌ها علیه ایران نیستند: «اتحادیه اروپا که یکی از طرف‌های قرارداد هسته‌ای است، به‌همراه روسیه و چین، به‌روشنی اعلام کرده‌اند که برای حفظ قرارداد تلاش خواهند کرد»^۵.

مخالفان برجام این تصویرسازی از بستر انعقاد قرارداد هسته‌ای را به‌طور کامل رد کرده‌اند. مخالفان قرارداد هسته‌ای بر این نظرند که دولت اوپاما نتوانسته است گزینه‌های جایگزین را پیگیری کند. آن‌ها بر این باور هستند که «یک قرارداد بهتر امکان‌پذیر بود»^۶ و ادعا می‌کنند «جایگزین قرارداد، جنگ نیست، بلکه یک قرارداد بهتر است»^۷. مهم‌تر اینکه، مخالفان برجام این ادعا را رد می‌کنند که تنها انتخاب دولت اوپاما، گزینش از میان دو گزینه مذاکره و جنگ بوده است.

۱. سرمقاله ۱ و ۱۰.
۲. سرمقاله ۹.
۳. سرمقاله ۱۰.
۴. سرمقاله ۱۰.
۵. سرمقاله ۷.
۶. سرمقاله ۱۰.
۷. سرمقاله ۱۵.

واگرایی روایت‌های سرمقاله‌های موافق و مخالف برجام براساس چگونگی و نحوه‌ی بازنمایی بستر تصمیم‌گیری نیز رخ می‌دهد و به‌این ترتیب، زمینه‌ها و بسترهایی را شکل می‌دهد که در آن راهکارهای مختلف، مناسب به‌نظر می‌رسند (S3). روایت موافق، ضرورتاً رویکرد و نگاه خوش‌بینانه‌ای به بستر گسترده‌تر سیاست آمریکا در برابر ایران دارد و بر این نظر است که فرصت برای تغییر مثبت را نباید نادیده گرفت. مذاکرات هسته‌ای با ایران، یک «فرصت تغییر^۱» برای ایران است که «به‌گونه‌ای مثبت به برقراری صلح و امنیت در منطقه و جهان کمک کرده است^۲» و به‌عنوان «یک فرصت بزرگ برای جلوگیری از ایجاد ایران هسته‌ای^۳» و «تضمین امنیت بیشتر در منطقه خاورمیانه^۴» بازنمایی شده است. در مقابل، روایت مخالف، یک چشم‌انداز بدبینانه در مورد بستر تصمیم‌گیری را به‌نمایش می‌گذارد که خطر و ریسک مذاکره را جدی‌تر و چندین برابر جلوه می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که در برخی سرمقاله‌ها آمده است: «نظام ایران یک تهدید و خطر جدی برای صلح جهانی است^۵». خطر نهفته در قرارداد به «حمایت ایران از تروریسم^۶»، «هزینه‌کرد پول‌های آزادشده، در کشورهای عراق، یمن، سوریه و حمایت از حزب‌الله و حماس^۷» و معرفی ایران به‌عنوان «بازیگر بد^۸» مربوط می‌شود.

سپس، مخالفان و طرفداران قرارداد هسته‌ای، رخداد‌های تاریخی متفاوتی را برای قیاس با بستر قرارداد هسته‌ای به‌کار می‌گیرند تا ویژگی‌های خاصی از بستر تصمیم‌گیری موجود برجسته‌تر شود (S4). روایت مخالف، بستر تصمیم‌گیری برای قرارداد هسته‌ای را با دو رویداد تاریخی مقایسه می‌کند؛ نخست، حمایت اوپاما از قرارداد هسته‌ای را به سیاست مماشات آلمان نازی در قرارداد ۱۹۳۸ مونیخ تشبیه

۱. سرمقاله ۲۴.
۲. سرمقاله ۲۶.
۳. سرمقاله ۱۵.
۴. سرمقاله ۹.
۵. سرمقاله ۲۷.
۶. سرمقاله ۲۷.
۷. سرمقاله ۲۷.
۸. سرمقاله ۲۷.

می‌کند؛ دوم، آن را به موازات مذاکرات برنامه هسته‌ای کره شمالی در دوران کلینتون در دهه ۱۹۹۰ به تصویر می‌کشد. پرسشی که روایت مخالف مطرح می‌کند، این است که «آیا ما از اشتباه‌های گذشته نباید درس بیاموزیم؟» اگر این گونه است، چرا همان شخصی که با کره شمالی مذاکره کرد، هدایت و رهبری مذاکره با ایران را به عهده داشت. آن‌ها در این مقایسه مدعی می‌شوند: «براساس این قرارداد، ایران در چند سال آینده و پس از سال ۲۰۲۵، به سرعت به سلاح هسته‌ای دست خواهد یافت؛ همان‌گونه که کره شمالی ۱۲ سال پس از انعقاد قرارداد هسته‌ای مشابه در سال ۲۰۰۶، به سلاح هسته‌ای دست یافت».

اما، روایت موافق قرارداد هسته‌ای، مذاکرات دولت اوباما با ایران را به اقدام دیپلماتیک نیکسون در رابطه با چین و مذاکرات کنترل نظامی ریگان با شوروی تشبیه می‌کند. درسی که طرفداران «قرارداد هسته‌ای ایران» مایل هستند از مقایسه با موفقیت‌های عمده سیاست خارجی دولت‌های گذشته به دست آورند، این است که مذاکره با دشمنان ایالات متحده امکان‌پذیر است و می‌تواند به امنیت ملی آمریکا کمک کند.

افزون‌براین، روایت موافق، نه تنها قرارداد هسته‌ای را به گونه‌ای مثبت به سیاست‌های خارجی موفق گذشته تشبیه و با آن‌ها مقایسه می‌کند، بلکه معتقد است، باید از حمله اشتباه به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز درس عبرت گرفت.

۲-۷. شخصیت‌پردازی

دومین بُعد مبارزات گفتمانی بین رسانه‌های طرفدار و مخالف قرارداد هسته‌ای ایران، به شخصیت‌پردازی بازیگران کلیدی و فرایند تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. این شخصیت‌پردازی، شخصیت‌های اصلی هر دو روایت موافق و مخالف شامل مذاکره‌کنندگان، دولت‌ها، موافقان، و مخالفان را هدف قرار می‌دهد.

نخستین ابزار گفتمانی‌ای که به ندرت برای شخصیت‌پردازی کارگزاران مهم در روایت‌های موفقیت و شکست به کار می‌رود، استفاده از القاب برای نامیدن کارگزاران است (CI). این برجسب‌ها، اطلاعاتی را درباره شخصیت این کارگزاران

دراختیار می‌گذارد که به شکل‌گیری نوعی شناخت خاص از این افراد منتهی می‌شود. برجسب‌های اصلی‌ای که در روایت‌های موافق و مخالف به کار می‌روند، مبتنی بر قیاس‌های تاریخی‌ای هستند که بسترهای دو روایت را تشکیل می‌دهند و در واقع، نشان‌دهنده روابط متقابل و همزیستی ابعاد مختلف روایت‌ها با یکدیگر هستند. به‌طور خاص، روایت‌های شکست، قرارداد هسته‌ای را به توافقنامه «مونینخ» و اواما را به «نویل چمبرلین»^۱ تشبیه می‌کنند. در مقابل، روایت‌های موافق، با یادآوری جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، منتقدان جمهوری خواه قرارداد هسته‌ای را «نئومحافظه‌کار»^۲ می‌نامند.

افزون‌براین، روایت‌های موافق و مخالف در بیان شخصیت، انگیزه‌ها، و رفتار بازیگران اصلی قرارداد هسته‌ای، رقابت شدیدی دارند (C2). نقطه کانونی این رقابت‌ها بر محور شخصیت اواما و تیم مذاکره‌کننده او شکل گرفته است. از یک سو، روایت‌های مخالف، اواما را یک فرد «کاملاً ساده»^۳ و شخصی که «هیچ ایده‌ای درباره آنچه می‌گفت، نداشت»^۴ معرفی می‌کنند. به‌نظر روایت‌های مخالف، اواما تنها در پی «شکل دادن به میراث و یادبود خود» بود.^۵ این روایت‌ها، تیم مذاکره‌کننده آمریکا را «ضعیف» معرفی کرده‌اند.^۶ از سوی دیگر، روایت‌هایی که تلاش می‌کنند قرارداد هسته‌ای با ایران را یک موفقیت در سیاست خارجی آمریکا بنامند، اواما را به‌دلیل «رهبری تزلزل‌ناپذیر» و «رهبری و تعهد»^۷ می‌ستایند. به‌نظر روایت‌های موافق، این قرارداد، نتیجه «مذاکرات پیچیده»^۸ با ایران است که با

1. Neville Chamberlain

(چمبرلین در توافقنامه‌ای در سال ۱۹۳۸ با هدف جلوگیری از بروز جنگ جهانی دوم موافقت کرد نواحی از کشور چکسلواکی ضمیمه خاک آلمان نازی شود)

2. Neocons

۳. سرمقاله ۲۹.

۴. سرمقاله ۱۵.

۵. سرمقاله ۲۲.

۶. سرمقاله ۵.

۷. سرمقاله ۸.

۸. سرمقاله ۹.

«تلاش‌ها و حسن نیت رئیس‌جمهور^۱» به‌دست آمده است. در این روایت‌ها، تیم مذاکره‌کننده آمریکا با عنوان «مقامات از خود گذشته^۲» نام‌گذاری شده‌اند که برای این «کار سخت» باید از آن‌ها تقدیر کرد.^۳

به‌علاوه، با بررسی شخصیت، انگیزه‌ها، و رفتار موافقان و مخالفان می‌توان به این نتیجه رسید که هر دو روایت موافق و مخالف، حمایت‌ها و انتقادهای خود را به‌عنوان نظری متفکرانه و هوشمندانه بیان کرده و بر این نظرند که این نتایج را از «ارزیابی‌های دقیق» و «تفکرات بسیار» به‌دست آورده‌اند.^۴

از سوی دیگر، موافقان و مخالفان برجام از ابزارهای گفتمانی برای زیر سؤال بردن شخصیت، انگیزه‌ها، و رفتارهای یکدیگر در بحث‌ها و جدل‌ها استفاده می‌کنند. روایت‌های مخالف، موافقان قرارداد هسته‌ای را «بی‌مسئولیت» یا «ساده‌لوح» معرفی کرده، آن‌ها را متهم می‌کنند که قرارداد هسته‌ای را با یک «عینک خوش‌بینی» و از جایگاه «امید^۵» نگریسته‌اند.

در مقابل، روایت موافق، گفته‌های روایت مخالف را «انتظارات غیرواقعی^۶» می‌داند که در گفتار «صادق» نیستند. هرچند روایت مخالف در همان زمان مذاکرات، نامه‌ای با امضای ۴۷ سناتور جمهوری خواه منتشر کرد و به ایران یادآوری کرد که رئیس‌جمهور آینده آمریکا با یک امضا قرارداد را لغو خواهد کرد، اما روایت موافق، آن را «اقدام و تلاش آشکاری برای تضعیف دیپلماسی آمریکا^۷» می‌دانست. سومین عنصر گفتمانی‌ای که به‌گونه‌ای گسترده در رقابت‌های روایتی برای شخصیت‌پردازی کارگزاران اصلی، در روایت‌های رقیب به‌کار می‌رود، «شخصیت‌پردازی با تداعی معانی» است (C3). هر دو روایت موافق و مخالف، اغلب تصمیم‌گیرندگان اصلی و شرکت‌کنندگان در مذاکرات را به افراد دیگر تشبیه

۱. سرمقاله ۹.

۲. سرمقاله ۸ و ۹.

۳. سرمقاله ۹.

۴. سرمقاله ۳۰.

۵. سرمقاله ۲۹.

۶. سرمقاله ۲۸.

۷. سرمقاله ۲۳.

کرده‌اند تا چهره و شهرت آن‌ها را تقویت یا مخدوش کنند. روایت مخالف، از این ابزار گفتمانی در گام نخست برای قرار دادن طرفداران قرارداد در مقابل «مردم» استفاده کرده است؛ به‌ویژه، روایت مخالف تلاش کرد تیم مذاکره‌کننده آمریکا را در مقابل متحدان آمریکا در خاورمیانه، یعنی اسرائیل و عربستان سعودی قرار دهد.^۱ روایت‌های مخالف، آماری از مردم مخالف با قرارداد ارائه کرده‌اند و معتقد بودند که در شرایطی که اکثریت مردم مخالف عقد قرارداد بوده‌اند، این قرارداد امضا شده است.^۲

روایت موافق، به سهم خود، به تصویر روایت مخالف، معترض بوده و حرکت دولت اوباما و موافقان قرارداد هسته‌ای را در راستای توافق جامعه بین‌الملل می‌داند و آمار دیگری از موافقان ارائه می‌دهد.^۳ افزون‌براین، روایت موافق، قرارداد را «یک تلاش مشترک میان شش کشور مقتدر» می‌داند^۴ که «قدرت‌های بزرگ دنیا» در آن مشارکت کرده‌اند و از سوی «یک اتحاد چشمگیر ملل»، حمایت می‌شود.^۵

درنهایت، رقابت گفتمانی میان روایت‌های مخالف و موافق، شامل رقابت‌هایی در شخصیت‌پردازی فرایند تصمیم‌گیری قرارداد هسته‌ای می‌شود (C4). روایت مخالف، این فرایند را نامشروع و غیرقانونی دانسته و این عدم مشروعیت را بر دو پایه استوار می‌داند؛ نخست، از اوباما به سبب مذاکره در مورد قرارداد انتقاد می‌کند؛ دوم، پنهان نگه داشتن «قرارداد مخفی جانبی»^۶ بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از کنگره را نکوهش کرده و آن را نقض آشکار قانون می‌داند.^۷

روایت موافق، به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت به شخصیت‌پردازی فرایند قرارداد هسته‌ای می‌پردازد. از منظر روایت موافق، تصویب پارلمانی قرارداد، موجب مشروعیت آن شده است.

۱. سرمقاله ۱۵.

۲. سرمقاله ۳۰.

۳. سرمقاله ۹.

۴. سرمقاله ۳.

۵. سرمقاله ۴.

6. Secret Side Deal

۷. سرمقاله ۳۰.

۳-۷. طرح کلی

سومین بُعد از مبارزه‌های گفتمانی روایت‌های شکست و موفقیت، به طرح کلی روایت‌های رقیب مربوط می‌شود. این بُعد نیز چهار عنصر گفتمانی را در سرمقاله‌های موردنظر بررسی می‌کند.

در این طرح‌بندی‌ها، قرارداد به‌عنوان یک موفقیت یا شکست بزرگ در سیاست خارجی آمریکا مطرح شده است که «خارج از حد معمول» است (E1). روایت مخالف، این قرارداد را یک قرارداد «بد» و «فاجعه‌آمیز» توصیف می‌کند و در برخی سرمقاله‌ها از آن به‌عنوان «بدترین قرارداد به‌لحاظ تاریخی» یاد شده است که «نباید ادامه یابد». در مقابل، روایت موافق، قرارداد هسته‌ای را یک قرارداد «خوب»^۵ در نظر می‌گیرد که یک نقطه عطف تاریخی را به‌نمایش می‌گذارد.

به‌علاوه، این طرح، دلایلی را برای چرایی موفقیت یا شکست یک سیاست خارجی ارائه می‌دهد. یکی از دلایل، پاسخ به این پرسش است که آیا یک سیاست یا تصمیم سیاسی، اهداف بیان‌شده را تأمین می‌کند (E2). قضاوت‌ها در روایت‌های مخالف بر این نکته تأکید می‌کنند که قرارداد هسته‌ای «نتوانسته است اهداف موردنظر را تأمین کند». قرارداد «نتوانسته است به اهداف نهایی خود دست یابد»^۶ و «به‌شدت از هدف بین‌المللی بهبود امنیت جهانی عقب مانده است»^۷. روایت مخالف قرارداد هسته‌ای می‌گوید، رژیم ایران «در پی نابودی اسرائیل و درنهایت آمریکا»^۸ است و از این رو، «قرارداد هسته‌ای نه تنها احتمال جنگ را از بین نبرده، بلکه وقوع چندین جنگ را گریزناپذیر کرده است»^۹. یکی دیگر از ایرادهای مذاکرات که

۱. سرمقاله ۳.

۲. سرمقاله ۱۵.

۳. سرمقاله ۲۰.

۴. سرمقاله ۲۰.

۵. سرمقاله ۱۰.

۶. سرمقاله ۲۶.

۷. سرمقاله ۱۵.

۸. سرمقاله ۱۵.

۹. سرمقاله ۱۵.

۱۰. سرمقاله ۱۵.

روایت مخالف بر آن تأکید می‌کند، این است که این قرارداد، «ایران را موظف نمی‌کند که امکان بازرسی در هر زمان و از هر مکانی را برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم کند»^۱. گاردین، از عبارت «تقلب سریالی»^۲ استفاده می‌کند و این‌گونه اظهارنظر می‌کند که ایران می‌تواند بازرسی از امکانات هسته‌ای را تا ۲۴ روز به تأخیر بیندازد و این زمان برای مخفی‌سازی شواهد فعالیت‌های هسته‌ای کافی است و نتیجه می‌گیرد که «به این ترتیب، جامعه بین‌الملل، تصویر کاملی از برنامه هسته‌ای ایران ندارد».

در مقابل، روایت موافق تأکید می‌کند: «قرارداد به دست آمده، هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و وقوع یک جنگ گسترده در خاورمیانه را تأمین کرده است»^۳. این قرارداد، «مسیر ایران را برای دستیابی به بمب هسته‌ای مسدود کرده است»^۴ و می‌گوید: «ما یک هدف مشترک با تمام ملت‌ها در سراسر دنیا داریم و آن، بازداشتن ایران از توسعه و دستیابی به سلاح هسته‌ای است. من فکر می‌کنم ایران در این قرارداد به این چشم‌انداز نزدیک شده است»^۵. روایت موافق، قرارداد را برای «قوی بودن اقدامات اصلاحی آن»^۶ تأیید می‌کند.

یکی دیگر از زمینه‌های عدم توافق میان روایت‌های رقیب در مورد مثبت یا منفی بودن نتایج قرارداد هسته‌ای است (E3). مخالفان قرارداد، مجموعه‌ای از نتایج بسیار منفی در زمینه امنیت بین‌المللی، ثبات خاورمیانه، و به‌مخاطره افتادن منافع آمریکا را در نظر می‌گیرند. به نظر آن‌ها این قرارداد، «ایران را به‌عنوان یک کشور در آستانه هسته‌ای شدن می‌پذیرد»^۷ و «مسیر روشن و شفافی را برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای فراهم می‌کند»^۸؛ بنابراین، «قرارداد هسته‌ای، تنها یک کنترل موقتی و

۱. سرمقاله ۶.

2. Serial Cheater

۳. سرمقاله ۱۷.

۴. سرمقاله ۱۷.

۵. سرمقاله ۲۷.

۶. سرمقاله ۱.

۷. سرمقاله ۲۵.

۸. سرمقاله ۶.

در یک محدوده زمانی مشخص را اعمال می‌کند و پس از آن، ایران می‌تواند، بدون هیچ محدودیتی در مورد تعداد و نوع سانتریفیوژها، به مسیر خود ادامه دهد^۱. به این ترتیب، انتظار می‌رود، «تمایل ایران به تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای^۲» افزایش یابد.

روایت مخالف می‌گوید، در نهایت، قرارداد موجب ایجاد رقابت در زمینه سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه خواهد شد: «رقیبان منطقه‌ای ایران مانند عربستان سعودی نیز می‌توانند وارد این مسابقه تسلیحاتی شده و برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و موشک بالستیک تلاش کنند^۳» و این موضوع، نتایج و پیامدهای منفی بسیاری دربر خواهد داشت؛ بنابراین، از نظر روایت مخالف، احتمال بروز رقابت‌های منطقه‌ای، بی‌ثباتی منطقه، و درگیری‌های منطقه‌ای افزایش خواهد یافت. افزون بر این، مخالفان ادعا می‌کنند که این قرارداد، «ده‌ها میلیارد دلار ایران را آزاد کرده است که در فعالیت‌های ناامن‌کننده و بی‌ثبات‌کننده منطقه هزینه شده است. ایران، بودجه نظامی خود را در دوره نخست ریاست‌جمهوری حسن روحانی، بیش از ۱۴۵ درصد افزایش داده است^۴» و بسیاری از «پول‌های بلوکه‌شده خود را که آزاد شده است، به حمایت از تروریسم و گروه‌های افراطی در سوریه، عراق، لبنان، یمن، و بحرین و حمایت از سازمان‌های تروریستی حزب‌الله و حماس اختصاص داده و این موضوع برای منافع طولانی‌مدت آمریکا بسیار ویرانگر است^۵».

در مقابل، روایت موافق، بر نتایج مثبت قرارداد هسته‌ای و نتایج منفی رد کردن و به‌قول آقای ترامپ، «پاره کردن» قرارداد تأکید دارد؛ بنابراین، طرفداران قرارداد، آن را «یک گام مهم به سوی امنیت ملی^۶» از طریق «بازدارندگی صلح‌آمیز ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای^۷» به‌شمار می‌آورند. آن‌ها هم‌زمان بر «نتایج و تأثیرات

۱. سرمقاله ۶.

۲. سرمقاله ۲۴.

۳. سرمقاله ۶.

۴. سرمقاله ۶.

۵. سرمقاله ۱۵.

۶. سرمقاله ۱.

۷. سرمقاله ۹.

منفی نبودن قرارداد^۱ تأکید می‌کنند. بدون این قرارداد، ایران به‌سادگی می‌تواند به توسعه و ساخت سلاح هسته‌ای بازگردد و تأکید می‌کنند «یک بازیگر بد بدون سلاح هسته‌ای، بهتر از یک بازیگر بد با سلاح هسته‌ای است»^۲. خروج از قرارداد می‌تواند «منافع آمریکا را به مخاطره بیندازد»^۳. این عمل «وجهه آمریکا را از منظر عمل به تعهدات بین‌المللی» خدشه‌دار می‌کند^۴ و به‌معنای این است که «ایران بتواند آزادانه سلاح هسته‌ای بسازد»^۵. طرفداران قرارداد با برجسته‌سازی نتایج منفی خروج از قرارداد هسته‌ای، بر بستر روایت‌های موافق که «گزینهٔ دیگری وجود نداشته و ندارد» تأکید می‌کنند.

درنهایت، آخرین بُعد از طرح‌بندی روایت‌های موافق و مخالف قرارداد هسته‌ای به موضوع مسئولیت‌پذیری مربوط می‌شود (E4). درحالی‌که روایت مخالف به سرزنش مقامات شرکت‌کننده در مذاکره می‌پردازد، روایت موافق، اعتبار خاصی برای این دیپلماسی قائل است. مخالفان قرارداد، «اوباما و طرفداران دموکرات او در کنگره را سرزنش می‌کنند»^۶، و بر این نظرند که «قراردادی که دولت اوباما در سال ۲۰۱۵ منعقد کرد، معیوب است»^۷.

این درحالی است که طرفداران قرارداد هسته‌ای تلاش ترامپ برای خروج از قرارداد هسته‌ای را به «حسادت او به تلاش موفق اوباما در قرارداد هسته‌ای»^۸ نسبت می‌دهند. طرفداران قرارداد «بزرگ‌ترین دلیل مخالفت ترامپ با قرارداد هسته‌ای» را این می‌دانند که «این قرارداد، بزرگ‌ترین دستاورد و موفقیت دولت اوباما به‌شمار می‌آید»^۹.

۱. سرمقاله ۱۸.
۲. سرمقاله ۱۸.
۳. سرمقاله ۲۷.
۴. سرمقاله ۲.
۵. سرمقاله ۱۳.
۶. سرمقاله ۱.
۷. سرمقاله ۲۳.
۸. سرمقاله ۲۳.
۹. سرمقاله ۲۳.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بحث درباره این موضوع پرداخته است که تفسیر یک سیاست خارجی در قالب موفقیت یا شکست، به رقابت روایت‌ها بستگی دارد. این پژوهش با استفاده از نوعی تحلیل روایتی و با تأکید بر ابعاد بستر، شخصیت‌پردازی، و طرح کلی روایت‌ها به صورت تجربی، به بررسی سرمقاله‌های روزنامه‌های آمریکایی و انگلیسی در مورد «قرارداد هسته‌ای ایران» پرداخته و نشان داده است که روایت‌های موفقیت و شکست، از یک ساختار مشابه استفاده می‌کنند.

همچنین، این مقاله بحث‌هایی را در مورد چرایی غالب شدن برخی روایت‌ها و به‌حاشیه‌رانی برخی دیگر از آن‌ها در گفتمان سیاسی ارائه می‌کند. از دیدگاه سستی بازیگرمحور و منابع‌محور قدرت گفتمانی، باور و پذیرش یک روایت به نقش و قدرت راوی روایت بستگی دارد. در رویکرد بازیگرمحور، ظرفیت بازیگران سیاسی برای بیان روایت‌های رسانه‌ای و عمومی به کنترل و استفاده پیوسته آن‌ها از مطالب مرتبط و منابع غیرعادی مانند بودجه روابط عمومی، متخصصان، مهارت‌ها، و راهبردها و همچنین، اقتدار و اعتبار آن‌ها به‌عنوان راوی، بستگی دارد (Aronczyk, 2008; Hülsse, 2009). در این رویکرد، اعتبار و صداقت شخصی راوی در میزان اعتبار روایت بسیار مهم است (Booth, 1983; Sharman, 2007)، اما در مورد روایت‌های موفقیت و شکست «قرارداد هسته‌ای ایران»، این رویکردها قانع‌کننده به‌نظر نمی‌رسند و اعتبار یا بی‌اعتباری راوی به موفقیت یا شکست این قرارداد کمک نمی‌کند.

از سوی دیگر، در رویکرد مخاطب‌محور، تسلط یا به‌حاشیه‌رانی روایت‌ها را می‌توان به روایت‌های فرهنگی ازپیش‌موجود در میان مخاطبان مربوط دانست. درحالی‌که برخی، از این پدیده با عنوان «راستی‌نمایی» روایت‌های نقل‌شده یاد کرده و این‌گونه استدلال می‌کنند که موفقیت و شکست روایت‌ها به پیش‌فرض‌های مخاطب از بازیگران بستگی دارد، برخی دیگر، استدلال می‌کنند که تسلط روایت‌های خاص، برمبنای درک بینادهنی مخاطب استوار است (Van Ham, 2002: 262). به‌عبارت دیگر، روایت‌ها باید با انتظارات فرهنگی در شکل سازمان و ساختاریافته، تطابق داشته باشند، اما در مورد جنگ روایت‌ها در حوزه «قرارداد هسته‌ای ایران» این توضیح نیز قانع‌کننده

نیست، زیرا فرد را به این نتیجه می‌رساند که روایت شکست، به‌دلیل دیدگاه منفی فرهنگی از پیش موجود در ذهن آمریکایی‌ها در مورد ایرانیان، به‌گفتمان غالب تبدیل شده است که با واقعیت موجود تطابق ندارد.

در توضیح دیگری، در مورد تسلط یا حاشیه‌نشینی روایت‌ها می‌توان به اهمیت ساختار و محتوای روایت‌ها اشاره کرد. همان‌گونه که تحلیل‌ها نشان می‌دهد، عدم حضور واضح و آشکار یک برنده در موضوع «قرارداد هسته‌ای ایران»، به ساختار مشابهی مربوط می‌شود که هر دو طرف بحث‌ها به‌گونه‌ای مساوی از آن سود برده‌اند.

افزون‌براین، توجه به این نکته ضروری است که قضاوت درباره موفقیت یا شکست و همچنین، میزان نفوذ و رواج روایت‌های موجود، دارای یک بُعد موقتی است. همان‌گونه که ارزیابی سیاست‌ها در طول زمان می‌تواند تغییر کند (Bovens and Hart, 1996: 22-27)، روابط سلطه و حاشیه‌نشینی روایت‌ها نیز می‌تواند دگرگون شود. با وجود اینکه سیر آتی رقابت بین روایت‌های موفقیت و شکست «قرارداد هسته‌ای ایران» بی‌تردید به نحوه اجرای آن در عمل بستگی دارد، انتظار می‌رود که محتوا و ساختار روایت‌های موفقیت و شکست که در این مقاله بازتولید شد، بر تفسیر و تحولات آینده این قرارداد تأثیرگذار باشد.*

منابع

- Aronczyk, M. (2008), "Living the Brand; Nationality, Globality and the Identity Strategies of Nation Branding Consultants", *International Journal of Communication*, No.2.
- Atai, M. R., and Rezaie, H. (2009), "The Representation of Iran's Post Resolution Nuclear Issues in American News Editorials, a Critical Discourse Analytic Perspective", *The Iranian EFL Journal*, No. 5.
- Atlantic Council, 'What are the Implications of Decertification of the Iran Nuclear Deal?', 10 October 2017.
- Baker, M. (2010), "Narratives of Terrorism and Security: Accurate Translations, Suspicious Frames", *Critical Studies on Terrorism*, Vol.3, No.3.
- Behnam, B., and Moshtaghi Zenous, R. (2008), "A Contrastive Critical Analysis of Iranian and British Newspaper Reports on the Iran Nuclear Power Program, *Systemic Functional Linguistics in Use*, OWPLC 29.
- Blommaert, Jan. (2005), *Discourse: a Critical Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Boin, A., 't Hart, P. and McConnell, A. (2009), "Crisis Exploitation: Political and Policy Impacts of Framing Contests", *Journal of European Public Policy*, Vol.16, No.1.
- Booth, W. (1983), *The Rhetoric of Fiction*, Chicago: University of Chicago Press.
- Bovens, M. and 't Hart, P. (1996), *Understanding Policy Fiascoes*, London: Transaction Publishers.
- Bovens, M. and 't Hart, P. (2016), "Revisiting the Study of Policy Failures", *Journal of European Public Policy*, Vol.23, No.5.
- Bovens, M., 't Hart, P. and Peters, B.G. (1998), "Explaining Policy Disasters in Europe. Comparisons and Reflections", In: Gray P and 't Hart P (eds.) *Public Policy Disasters in Western Europe*, London: Routledge.
- Brändström, A. and Kuipers, S. (2003), "From 'Normal Incidents' to Political

Crises: Understanding the Selective Politicization of Policy Failures", *Government and Opposition*, Vol. 38, No.3.

Browning, C.S. (2008), *Constructivism, Narrative and Foreign Policy Analysis: A Case Study of Finland*, Bern: Peter Lang.

Campbell, D. (1998), *National Deconstruction: Violence, Identity, and Justice in Bosnia*, Minneapolis: University of Minnesota Press.

De Graaf, B., Dimitriu, G. and Ringsmose, J. (eds). (2015), *Strategic Narratives, Public Opinion and War. Winning Domestic Support for the Afghan War*, London: Routledge.

Dunleavy, P. (1995). "Policy Disasters: Explaining the UK's Record", *Public Policy and Administration*, Vol.10, No.2.

Edelman, M. (1988), *Constructing the Political Spectacle*, Chicago: Chicago University Press.

Erll, A. (2009), "Narratology and Cultural Memory Studies", In: Heinen S and Sommer R (eds) *Narratology in the Age of Cross-Disciplinary Narrative Research*, Berlin: Walter de Gruyter.

Ewick, P. and Silbey, S. (1995), "Subversive Stories and Hegemonic Tales: Towards a Sociology of Narrative", *Law and Society Review*, Vol.29, No.2.

Fairclough, Norman. (2003), *Analyzing Discourse*, London: Routledge.

Fludernick, M. (2009), *An Introduction to Narratology*, London: Routledge.

Fowler, R. (1991), *Language and the News: Discourse and Ideology in the Press*, London: Routledge.

Freedman, L. (2006), *The Transformation of Strategic Affairs*, Adelphi Paper 379. London: International Institute for Strategic Studies.

Goldenberg, Ilan and Mara Karlin (2017. 11 October), "Ending the Iran Deal is an Invitation to War", *Brookings Institution*.

Grant, W. (2009), "Intractable Policy Failure: The Case of Bovine TB and Badgers", *British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 11, No.4.

Gray, P. (1998a), "Errors of an Administrative Nature? Explaining the 'Arms to Iraq' Affair", In: Gray P and 't Hart P (eds), *Public Policy Disasters in Western Europe*, London: Routledge.

_____ (1998b), "Policy Disasters in Europe. An Introduction", In: Gray P and 't Hart P (eds), *Public Policy Disasters in Western Europe*, London: Routledge.

Hansen, L. (2006), *Security as Practice: Discourse Analysis and the Bosnian War*, London: Routledge.

Hønneland, G. (2010), *Borderland Russians: Identity, Narrative and*

International Relations, Basingstoke: Palgrave.

Hood, C. (2002), "The Risk Game and the Blame Game", *Government and Opposition*, Vol.37, No.1.

Howlett, M. (2012), "The Lessons of Failure: Learning and Blame Avoidance in Public Policy- Making", *International Political Science Review*, Vol.33, No.5.

Hülse, R. (2009), "The Catwalk Power: Germany's New Foreign Image Policy", *Journal of International Relations and Development*, Vol.12, No.3.

Ingram, H.M. and Mann, D.E. (1980 Octobr.11), "Policy Failure: An Issue Deserving Analysis", In: Ingram HM and Mann DE (eds), *Why Policies Succeed or Fail*, London: Sage.

International Crisis Group Statement (2017. Octobr 13), *Saving the Iran Nuclear Deal, Despite Trump's Decertification*.

Janis, I.L. (1989), *Crucial Decisions. Leadership in Policymaking and Crisis Management*, New York: The Free Press.

Khong, Y.F. (1992), *Analogies at War*, Princeton. NJ: Princeton University Press.

Köhler Riessman, C. (2008), *Narrative Methods for the Human Sciences*, London: Sage.

Krebs, R. (2015a), *Narrative and the Making of US National Security*, Cambridge: Cambridge University Press.

Marsh, D. and McConnell, A. (2010), "Towards a Framework for Establishing Policy Success", *Public Administration*, Vol.88, No.2.

McConnell, A. (2010), "Policy Success, Policy Failure and Grey Areas In-Between: a Framework to Help Capture Complex Policy Outcomes", *Policy Sciences*, Vol.30, NO.3.

McConnell, A. (2016), "A Public Policy Approach to Understanding the Nature and Causes of Foreign Policy Failure", *Journal of European Public Policy*, Vol. 23, No.5.

Miskimmon, A., O'Loughlin, B. and Roselle, L. (2013), *Strategic Narratives. Communication Power and the New World Order*, New York: Routledge.

_____ (2015a), *Remarks by the President on the Iran Nuclear Deal*, 5 August. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2015/08/05/remarks-resident-iran-nuclear-deal>.

_____ (2015b), *Iran Nuclear Deal: Full Transcript of President Obama's Speech*, 15 July. Available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iran-nuclear-deal-full-transcript-of-president-obamas-remarks-10389401.html>.

Oppermann, K. and Spencer, A. (2013), "Thinking Alike? Salience and Metaphor Analysis as Cognitive Approaches to Foreign Policy Analysis", *Foreign Policy Analysis*, Vol.9, No. 1.

Oppermann, K. and Spencer, A. (2016), "Telling Stories of Failure: Narrative Constructions of Foreign Policy Fiascos", *Journal of European Public Policy*, Vol.23, No.5.

Patterson, M. and Renwick Monroe, K. (1998), "Narrative in Political Science", *Annual Review of Political Science*, No.1.

Philo, Greg, and Mike Berry. (2011), *More Bad News from Israel*, London: Pluto Press.

Richardson, J. E. (2007), *Analyzing newspapers*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.

Ringmar, E. (1996), *Identity, Interest and Action: A Cultural Explanation of Sweden's Intervention in the Thirty Year War*, Cambridge: Cambridge University Press.

Sarbin, T.R. (1986), "The Narrative as a Root Metaphor for Psychology", In Sarbin TR (ed), *Narrative Psychology. The Storied Nature of Human Conduct*, New York: Praeger.

Shams, M. R. (2006), "A critical study of news discourse: Iran's nuclear issue in the British newspapers", *Iranian Journal of Applied Linguistics*, Vol. 8, No. 2.

Sharman, J.C. (2007), "Rationalist and Constructivist Perspectives on Reputation", *Political Studies*, Vol. 55, No. 1.

Shenhav, S. (2006), "Political Narrative and Political Reality", *International Political Science Review*, Vol.27, No. 3.

Shimko, K.L. (1994), "Metaphors and Foreign Policy Decision Making", *Political Psychology*, Vol.15, No.4.

Somers, M. (1994), "The Narrative Constitution of Identity: A Relational and Network Approach", *Theory and Society*, Vol.23, No.5.

Sommer, R. (2009), "Making Narrative Worlds: A Cross-Disciplinary Approach to Literary Storytelling", In Heinen S and Sommer R (eds), *Narratology in the Age of Cross-Disciplinary Narrative Research*, Berlin: Walter de Gruyter.

Spencer, A. (2012), "The Social Construction of Terrorism: Media, Metaphors and Policy Implications", *Journal of International Relations and Development*, Vol.15, No.3.

Spencer, A. (2016), *Romantic Narratives in International Politics: Pirates, Rebels and Mercenaries*, Manchester: Manchester University Press.

- Stockholm International Peace Research Institute, 'Will the EU and the USA part ways on the Iran Deal?', 11 October 2017.
- Suganami, H. (2008), "Narrative Explanation and International Relations: Back to Basics", *Millennium*, Vol.37, No.2.
- Sylvan, D.A. (1998), "Introduction", In: Sylvan DA and Voss JF (eds), *Problem Representation in Foreign Policy Decision Making*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Toolan, M. (2001), *Narrative. A Critical Linguistic Introduction*, London: Routledge.
- Tuchman, B.W. (1984), *The March of Folly; from Troy to Vietnam*, New York: Alfred A. Knopf.
- Turner, M. (1996), *The Literary Mind*, Oxford: Oxford University Press.
- Van Dijk, T. A. (1991), *Racism and the Press: Critical Studies in Racism and Migration*, London: Routledge.
- Van Dijk, T. A. (1996), "Discourse analysis as Ideology Analysis", In C. Schaffner & A. L. Wenden (Eds.), *Language and peace* (pp. 17-33), Dartmouth: Aldershot.
- Van Dijk, T. A. (1998), *Ideology. a Multidisciplinary Approach*, London: SAGE.
- Van Ham, P. (2002), "Branding Territory: Inside the Wonderful Worlds of PR and IR Theory", *Millennium*, Vol. 31, No. 2.
- White, H. (1987), *The Content of the Form: Narrative Discourse and Historical Representation*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- World Nuclear Association (2010), *Nuclear power in Iran*. Retrieved from: http://www.worldnuclear.org/info/inf119_nucleariran.html.